

اثر رشدبخشی بر اشتغال زنان در ایران (با استفاده از روش داده - ستانده)

دکتر ابراهیم شیبانی

عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

دکتر زهرا افشاری

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه الزهرا (ع)

چکیده

با توجه به طبیعت متفاوت توابع تولید در بخشهای مختلف اقتصاد، رشد این بخشها اثر متفاوتی بر اشتغال خواهد داشت از سوی دیگر، با توجه به تجزیه بازار کار بر حسب جنسیت، رشد این بخشها اثر متفاوتی بر خلق شغل برای زنان برجای می‌گذارد.

در این مقاله با استفاده از روش داده - ستانده به محاسبه ضریب اشتغال زنان در بخشهای مختلف اقتصاد بر حسب میزان سواد و مهارت در دو بخش دولتی و خصوصی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به ساختار فعلی بخش خصوصی، تداوم این فرایند در ایجاد شغل برای زنان با آموزش متوسط و پایین‌تر اثر مثبت دارد، ولی اثر آن در خلق شغل برای زنان دارای تحصیلات عالی محدود است، به علاوه، بخش صنعت (منسوجات) بالاترین ضریب اشتغال را برای زنان بی سواد دارا می‌باشد. در مورد زنان با تحصیلات متوسطه بخش بهداشت و در مورد زنان دانش آموخته دو بخش آموزش عالی و آموزش و بهداشت دارای بالاترین ضریب اشتغال می‌باشند.

کلید واژه‌ها

زنان / رشدبخشی / خلق شغل / ضریب اشتغال / خصوصی سازی

مقدمه

در ادوار مختلف تاریخی و در پهنه اقتصاد ملل مختلف اعم از توسعه یافته و توسعه نیافته، نحوه‌هایی از تقسیم کار بر حسب جنسیت تجربه شده است. این تقسیم کار تنها محدود به فضای خانه نیست، بلکه به موازات تقسیم کار خانگی (کار بدون دستمزد)، یک تقسیم کار بر حسب جنسیت در کار بازاری (با دستمزد) وجود دارد. توزیع مردان و زنان در ساختار اشتغال تصادفی نیست، بلکه توزیع نیروی کار مردان و زنان متفاوت است (مشاغل زنانه، مردانه و مختلط). مشاغل زنانه عمدتاً کمتر به سرمایه‌گران مجهز هستند، سودآوری کمتری دارند، تا حدودی موقتی و ناامن هستند، دورنمای پیشرفت کمتری دارند و دستمزد کمتری کسب می‌کنند (Pagan, 2001). اینها ویژگیهایی هستند که موقعیت شغلی زنان را مشخص می‌سازند. هر کوشش در جهت رفع تبعیض و گسترش عدالت باید نظری به این ویژگیها داشته باشد.

با توجه به طبیعت متفاوت توابع تولید در بخشهای مختلف اقتصاد، قدرت خلق شغل بخشهای مختلف اقتصاد متفاوت است. از سوی دیگر، با توجه به تجزیه بازار کار بر حسب جنسیت، اثر رشد بخشهای مختلف اقتصاد بر اشتغال زنان و مردان متفاوت است.

در این مقاله ابتدا مروری خواهیم داشت بر مبانی نظری اشتغال زنان، سپس به بررسی ساختار اشتغال زنان در ایران می‌پردازیم. در بخش سوم با استفاده از روش داده ستانده به محاسبه ضریب اشتغال زنان در بخشهای مختلف بر حسب میزان سواد و مهارت در بخشهای خصوصی، تعاونی و دولتی می‌پردازیم بخش آخر مقاله به تجزیه و تحلیل نتایج و پیشنهادات اختصاص دارد.

مدلهای تبیین

با توجه به تفاوت‌های موجود در ساختار اشتغال زنان و مردان، اقتصاددانان جهت بررسی بازار کار زنان به ارائه مدل‌های تکمیلی پرداخته‌اند.

۱- غیر کلاسیک

این مدل عامل اساسی وضع نامطلوب زنان را در نظام اقتصادی، موقعیت پایین آنها در نظام اجتماعی و فرهنگی می‌داند و سلطه مردان و تبعیت زنان را به عنوان ویژگی

پایدار تمامی جوامع می‌پندارد (Delphy and Hartman, 1977) و تقسیم کار بر حسب جنسیت را حاصل مردسالاری می‌داند.

۲- مدل رادیکال‌ها

این مدل ساختار متفاوت کار زنان و مردان را به نظام سرمایه‌داری مرتبط می‌داند. در این مدل اقتصاد را به دو بخش اولیه و ثانویه تقسیم می‌کنند. بخش اولیه با هدف به حداکثر رساندن ظرفیت کارا عمل می‌کند؛ در نتیجه سعی در استخدام نیروی کار ماهر و پایدار دارد. این بخش (نیروی کار ماهر و پایدار) کمتر تحت تأثیر نوسانات اقتصادی است و نوسانات اقتصادی بیشتر بخش ثانویه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در یک بازار دوگانه، زنان در بخش ثانویه کار می‌کنند، از این رو آسیب‌پذیرترند (Edward, Cordon a, b 1983).

۳- مدل نئوکلاسیک

اقتصاددانان نئوکلاسیک در چارچوب تئوری رفتار عقلایی و به حداکثر رساندن مطلوبیت، سعی در بیان این تفاوت دارند. نئوکلاسیک‌ها در این مقوله با این سؤال شروع می‌کنند که چرا زنان وارد بازار کار می‌شوند. پاسخ این است که آنها انتخاب دیگری را دارند و آن در خانه ماندن است.

مسئله چگونگی انتخاب بین کار خانگی و کار بازاری و یا برخورداری از فراغت، موضوع مورد توجه و تحلیل این اقتصاددانان است. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که عرضه نیروی کار زنان متفاوت از مردان است (Heckman, 1983). نئوکلاسیک‌ها افزایش بلندمدت عرضه نیروی کار زنان را ناشی از جایگزینی بین سه عامل کار خانگی، کار بازاری و فراغت می‌دانند (باید توجه داشت که در مورد کار مردان بین دو عامل کار بازاری و فراغت جایگزینی انجام می‌شود و کار خانگی نقش چندانی ندارد) (Kjilling worth, 1986)، لذا تقاضای فراغت زنان با کاهش تر از تقاضای فراغت مردان است؛ زیرا زنان دو جایگزینی برای فراغت دارند (کارخانگی و کار بازاری) در حالی که مردان یک جایگزین دارند. با پیشرفت تکنولوژی وسایل خانگی که عمدتاً از نوع صرفه‌جویی در زمان بوده است، کار خانگی کاهش یافته و در نتیجه کار بازاری جایگزین آن شده است (World Bank, 1995). برخی تحقیقات نشان می‌دهد که کاهش کار غیربازاری محدود بوده است، بلکه فراغت جایگزین آن شده است. به عبارتی، افزایش مشارکت زنان به

قیمت کاهش اوقات فراغت و رفاه آنان بوده است (Cowan, 1983; Hartman, 1981).

۴- مدل جدید اقتصاد خانواده

از آنجا که نظریه نئوکلاسیک اقتصاد خرد مبتنی بر تصمیمات فردی است، لذا مورد انتقاد قرار گرفته است (Becker, 1981). با ارائه دیدگاه جدید اقتصاد خانواده نظریه مطلوبیت خانواده جایگزین مطلوبیت فرد می‌شود، به عبارت دیگر خانواده به دنبال به حداکثر رساندن مطلوبیت است. در این دیدگاه، تمامی تصمیمات خانواده در این چارچوب اتخاذ می‌شوند. در این نوع تحلیل بین تصمیمات عرضه کار زن و تصمیمات مصرف همبستگی وجود دارد، لذا بین مسئولیت اولیه زن برای کار خانگی و مشارکت ناپیوسته و محدود در بازار کار همبستگی وجود دارد. هر چند مزیت این مدل حرکت از فرد به سمت خانواده است، با وجود این ایراد اساسی آن عدم توجه به ترجیحات افراد خانواده می‌باشد. لذا باید یک مجموعه قوانین برای وزن دادن به ترجیحات افراد خانواده ارائه شود. در اینجا ترجیحات خانواده توسط نماینده خانواده [دیکتاتور خیرخواه اقتصاد رفاه] اتخاذ می‌شود. این دیدگاه با تجرید از تضادها، تصمیم‌گیری، فرد و خانواده را به هم مرتبط می‌کند.

فمنیست‌ها (polacheck, 1979) معتقدند که «دیکتاتور خیرخواه» همان شکل مسلط مردسالاری در سازمان خانواده است. آنها اعتقاد دارند با ارائه مدل‌های چانه زنی روابط خانواده می‌توان بر این مشکل فائق آمد.

در این مدل تقسیم کار براساس برتری نسبی انجام می‌شود، بدین نحو که مردان چون درآمد بیشتری دارند نان‌آور خانواده هستند و زنان چون درآمد کمتری کسب می‌کنند (به علت بچه دار شدن و مراقبت از فرزند مجبور به ترک کار می‌شوند، لذا از بهره‌وری بالاتر در کار خانگی و بهره‌وری کمتر در کار بازاری برخوردارند. در نتیجه، این تقسیم کار خانگی براساس برتری نسبی، زنان را (خصوصاً متأهل و دارای فرزند) به دنبال کارهای انعطاف‌پذیر و اشتغال نیمه وقت سوق می‌دهد، بنابراین تابع عرضه کار زنان بی ثبات‌تر از مردان است (Brown, J., 1999).

۵- مدل سرمایه انسانی

به طور خلاصه، هر چند تئوری نئوکلاسیک سعی در تبیین علل تفاوت حرفه‌ای زنان و مردان دارد با وجود این تمایلات فرهنگی در انتخاب رشته تحصیلی - که عاملی جهت

گرایش به سمت مشاغل خاص می‌باشد - را مورد توجه قرار نداده است. این موضوع در نظریه سرمایه انسانی مورد توجه قرار گرفته است. در تئوری سرمایه انسانی، توزیع متفاوت زنان و مردان در ساختار اشتغال مربوط به الگوی متفاوت تحصیل سرمایه انسانی است. به عبارت دیگر، این توزیع متفاوت مربوط به قبل از ورود به بازار کار می‌باشد. به علاوه، نقش زن به عنوان مادر و همسر بر کارایی او از طریق تحصیل سرمایه انسانی کمتر اثر گذاشته است. همچنین اگر زن مسئولیت اول خود را خانواده بداند، کمتر متعهد به کار می‌شود، لذا گرایش به کار نیمه وقت، گرایش به مرخصی و ترک داوطلبانه شغل دارد. در نتیجه به سمت مشاغلی روی می‌آورد که قدرت انطباق آن مشاغل با الگوهای رفتاری و ویژگیهای زندگی او بیشتر باشد (Blau, D, 1998). به علاوه، این تئوری با بررسی رفتار عقلایی به حداکثر رساندن مطلوبیت (Ploacheck, 1979) نتیجه می‌گیرد که زنان مشاغلی را انتخاب می‌کنند که در دوره عدم مشارکت (بارداری، مراقبت از فرزند و...).

امکان از دست دادن آن کمتر باشد و همچنین در دوره عدم مشارکت، مهارتهای کسب شده آنها کمتر مستهلک گردد (Beller, 1982, England, 1983). اینها، تفاوتهایی در ترجیحات و سلیقه‌ها و متغیرهای برون‌زا نسبت به اقتصاد هستند و خارج از فضای اقتصاد تعیین می‌شوند (Blanchard, 1998).

بدیهی است که عوامل فوق به تنهایی و بدون توجه به تفاوتهای تاریخی و فرهنگی بازار کار، علت تفاوت در ساختار بازار کار را تبیین نمی‌کنند، از این رو این عوامل باید مورد بررسی قرار گیرند. تقسیم پذیری بازار کار مربوط به نقش تولید اجتماعی زن است.

تقسیم‌پذیری ممکن است براساس آداب و رسوم باشد (مثلاً این شغل برای زن مناسب است و آن دیگری مناسب نیست، یا زن باید مهارتهای متفاوتی از مردان کسب کند). تمامی این عوامل باعث تمرکز زنان در مشاغل خاصی شده است، مشاغلی که به مهارت کمتر نیاز دارد، کار برتر است و کارایی پایین تری دارد و در نتیجه دستمزد کمتری دارد (bergman, 1971). فرضیه تقسیم‌پذیری می‌گوید که یک کارفرمای عاقل برای مقابله با بی‌ثباتی عرضه کار زنان، با پرداخت دستمزد کمتر و استخدام زنان در مشاغل غیر حساس پاسخ می‌گوید.

ساختار بازر کار زنان در ایرلند

بنا به دلایلی که به آن پرداخته شد، ساختار اشتغال زنان متفاوت از مردان است. در ایران براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶)، تنها در صنعت تولید منسوجات بیش از نیمی (۵۸/۷۶ درصد) از کارکنان آنان را زنان تشکیل می‌دهند. در سایر بخشها کمتر از ۱۰ درصد نیروی کار به زنان اختصاص دارد (به جز بیمه و بازنشستگی). (جدول ۱، ستون اول).

ستون دوم جدول (۱) نشان می‌دهد که ۱۶/۶۲ درصد از زنان در بخش کشاورزی، ۳۳/۰۳ درصد در صنعت، ۰/۲۷ درصد در معدن، ۰/۹ درصد در ساختمان و بقیه زنان (حدود ۵۰ درصد) در بخش خدمات به کار اشتغال داشته‌اند. بدین ترتیب، بخش خدمات مهمترین بخش جذب‌کننده زنان بوده است. در بخش خدمات نیز سه زیربخش آموزش، بهداشت و امور عمومی در مجموع بیش از ۹۴/۳ درصد شاغلین زن بخش خدمات را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش صنعت ۸۵/۶ درصد از زنان در منسوجات، ۵/۳۱ درصد در صنایع پوشاک و ۳/۱۴ درصد در بخش مواد غذایی به کار مشغول بوده‌اند. این سه بخش در مجموع ۹۴/۱ درصد شاغلین زن در صنعت را شامل می‌شوند. شرکت زنان در سایر بخشهای صنعت بسیار ناچیز (و در مجموع حدود ۵/۹ درصد) است.

در بخش فعالیتهای کشاورزی، قسمت عمده زنان (۹۹/۸ درصد) در کشاورزی و شکار و خدمات وابسته به آن اشتغال دارند. سایر بخشها (جنگلداری و ماهیگیری) درصد ناچیزی از اشتغال زنان را تشکیل می‌دهند. بخشهای آب و برق و ساختمان با جذب ۰/۳۱ و ۰/۹ درصد از زنان شاغل سهم ناچیزی در اشتغال زنان دارند.

به طور کلی حدود ۸۳/۳۹ درصد زنان شاغل به ترتیب در بخشهای منسوجات (۲۸/۳۳ درصد)، آموزش (۲۶/۳ درصد)، کشاورزی (۱۶/۶۲ درصد)، بهداشت (۶/۷۳ درصد) و اداره امور عمومی (۵/۵۹ درصد) به کار اشتغال دارند و مابقی (۱۶/۶۹ درصد) در سایر بخشهای اقتصاد کار می‌کنند. از این رو توزیع اشتغال زنان بسیار ناهمگن و تنها در تعدادی محدود از مشاغل متمرکز است.

ساختار اشتغال زنان برحسب سواد

براساس سرشماری سال ۱۳۷۵، در مجموع ۷۹/۹ درصد زنان شاغل باسواد و ۲۰/۱

درصد بی‌سواد هستند. از مجموع شاغلان باسواد ۲۲ درصد دارای تحصیلات عالی، ۲۱/۱ درصد دارای تحصیلات متوسطه، ۸/۱ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و ۱۸/۹ درصد دارای تحصیلات ابتدایی می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

جدول (۲) نشان می‌دهد که ۵۸/۹۲ درصد شاغلین بخش کشاورزی بی‌سوادند. در بخشهای آب و برق بیش از ۸۰ درصد شاغلین زن تحصیلات بیش از متوسطه دارند. در بخش ساختمان نیمی بی‌سواد و یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند. در بخش اداره امور عمومی، آموزش و بهداشت بیش از ۹۰ درصد تحصیلات متوسطه و عالی دارند و در بخش هتل و رستوران ۷۶/۳ درصد باسواد هستند.

اثر رشدبخشی بر اشتغال زنان

با توجه به اینکه توزیع اشتغال زنان کاملاً ناهمگن است و زنان در مشاغل محدودی متمرکز هستند، از این رو رشد بخشهای مختلف آثار متفاوتی بر اشتغال به طور کلی و بر اشتغال زنان به طور اخص بر جای می‌گذارد. در این مقاله می‌خواهیم اثر رشد بخشهای مختلف را بر اشتغال زنان (ضریب اشتغال بخشی زنان) به دست آوریم.

برای این منظور از روش داده - ستانده استفاده می‌کنیم. در این روش از تابع تولید لئونتیف استفاده می‌شود. ویژگی تابع مزبور این است که هر یک از عوامل تولید با یک نسبت ثابت در تولید به کار می‌روند، جایگزینی بین عوامل تولید وجود ندارد، برای هر صنعت یک فن آوری وجود دارد، بازدهی ثابت به مقیاس وجود دارد و بخشهای مختلف دارای فن آوری متفاوت هستند، لذا توابع تولید در هر بخش متفاوت از بخش دیگر است با توجه به طبیعت متفاوت تابع تولید در هر بخش، ضریب اشتغال (کارگر به کار رفته برای یک واحد تولید) هر بخش متفاوت است (افشازی، ۱۳۸۰).

بخشهای دارای ضریب اشتغال بالا را کاربر می‌گویند. در این مقاله با استفاده از جدول ۱۵×۱۵ داده - ستانده اقتصاد ایران (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶) به محاسبه ضریب اشتغال بخشهای مختلف اقتصاد و ضریب اشتغال بخش زنان پرداخته‌ایم. همچنین برای اینکه اثر یک درصد رشد اقتصاد بخشها را بر اشتغال زنان در سطوح مختلف تحصیلی (بی‌سواد، ابتدایی، ...، عالی) محاسبه کنیم، ضریب اشتغال بخشی برحسب سواد نیز محاسبه شده است. ضریب اشتغال زنان بر حسب بخش (خصوصی، دولتی) و بر حسب

مهارت (متخصصین، تکنسین‌ها، مدیران عالی رتبه، صنعتگران، کارگران ماهر کشاورزی، کارگران ساده و...) نیز محاسبه شده است. مدل به کار رفته به قرار زیر است:

$$y_i = \min \left(\frac{k_i}{V_i}, \frac{l_i}{U_i} \right)$$

$$V_i = \frac{k_i}{y_i} \quad \text{سرمایه} = k \text{ و } L \text{ نیروی کار}$$

$$U_i = \frac{l_i}{y_i} \quad y = \text{تولید } ۱۵ \dots \text{ و } ۲ \text{ و } ۱ \quad i$$

V_i = مقدار سرمایه به کار رفته برای یک واحد تولید در بخش i

V_i = مقدار کارگر به کار رفته برای یک واحد تولید (ضریب اشتغال) در بخش i

برای یافتن ضریب اشتغال بخش زنان، از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$V_{Fi} = v_i \times F_i$$

V_{Fi} = ضریب اشتغال زنان در بخش i

F_i = نسبت اشتغال زنان در بخش i

برای یافتن ضریب اشتغال زنان در هر بخش بر حسب سواد از رابطه زیر استفاده

می‌شود:

$$V_F \cdot E_{ij} = V_{Fi} \times E_{ij} \quad j = ۱ \text{ و } ۲ \text{ و } ۳ \text{ و } ۴ \text{ و } ۵ \text{ و } ۶$$

E_i = نسبت آموزش زنان در بخش i

۳- ابتدایی

۲- باسواد

۱- بی‌سواد

۶- عالی

۵- متوسطه

۴- راهنمایی

برای یافتن ضریب اشتغال زنان بر حسب مهارت

$$V_{FSiy} = V_{Fi} \times S_{iy}$$

$$y = ۱ \text{ و } ۲ \text{ و } ۹$$

S_i = نسبت مهارت زنان در بخش i

۱- قانونگذاری و مدیران

۲- زنان متخصص

۳- تکنسین‌ها

۴- کارمندان امور دفتری

۵- کارکنان خدماتی و فروشندگان

۶- کارگران ماهر کشاورزی

۷- کارگران ماهر صنعتی

۸- متصدیان امور دفتری

۹- کارگران ساده

برای یافتن ضریب اشتغال بخشی زنان برحسب بخش خصوصی، دولتی و تعاونی به ترتیب از رابطه‌های زیر استفاده شده است:

$$V(F.P)_i = VF_i \times P_i \quad P_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش خصوصی}$$

$$V(F.PU)_i = VF_i \times PU_i \quad PU_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش دولتی}$$

$$V(F.CO)_i = VF_i \times CO_i \quad CO_i = \text{درصد اشتغال زنان در بخش تعاونی}$$

نتایج محاسبات در جداول ۳ تا ۶ آمده است.

هر چه ضریب اشتغال بخشی بالاتر باشد، بخش کار برتر است و لذا رشد آن بخش موجب خلق شغل بیشتر می‌شود. همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، بخش آموزش (۰/۶۹)، اداره امور عمومی و دفاع (۰/۴۸)، بهداشت و مددکاری اجتماعی (۰/۴)، آب و برق و گاز (۰/۳۸)، (۰/۱۲)، به ترتیب کاربرترین بخشها می‌باشند. لذا رشد این بخشها به ترتیب بیشترین اثر را بر اشتغال (خلق شغل) دارد. ضریب اشتغال سایر بخشها از ۰/۱ کمتر است. با توجه به مطالب بخش قبل، قدرت خلق شغل این بخشها برای زنان مردان یکسان نیست؛ از این رو به محاسبه ضریب اشتغال بخشی زنان نیاز دارد.

ضریب اشتغال بخشی زنان

با استفاده از ستون (۱) جدول (۳) و جدول (۱) می‌توان ضریب اشتغال بخشی زنان را به دست آورد. (ستون ۲ جدول ۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضریب اشتغال

بخشی زنان متفاوت از ضریب اشتغال کل اقتصاد است. بالاترین ضریب اشتغال زنان به ترتیب مربوط به آموزش (۰/۳۰۳) و بهداشت و مددکاری (۰/۱۵۹) می‌باشد. از این رو رشد این دو بخش می‌تواند اثر قابل توجهی بر اشتغال زنان داشته باشد. بعد از این دو بخش، بخشهای واسطه‌گری‌های مالی (۰/۰۳۳) و اداره امور عمومی و دفاع (۰/۰۳) قرار دارند.

ضریب اشتغال بخشی زنان (خصوصی، دولتی و تعاونی)

با توجه به پراکندگی متفاوت زنان در بخشهای دولتی، خصوصی و تعاونی، ضریب به دست آمده در فوق قادر به تبیین نقش بخشهای مذکور در جذب زنان نمی‌باشد؛ از این رو مبادرت به محاسبه ضریب اشتغال بر حسب بخشهای خصوصی، دولتی و تعاونی نموده‌ایم. بیشترین ضریب اشتغال زنان در بخش خصوصی مربوط به آموزش (۰/۱۲۴)، بهداشت و مددکاری (۰/۰۲۷) و صنعت و کشاورزی می‌باشد. بقیه بخشها سهم ناچیزی در جذب زنان (جدول ۳، ستونهای ۳، ۴ و ۵) داشته‌اند.

ستون چهارم جدول (۳)، ضریب اشتغال زنان در بخش دولتی را نشان می‌دهد. به طوری که ملاحظه می‌شود، در این بخش نیز دو بخش آموزش (۰/۲۷۶) و بهداشت (۰/۱۲۳) بالاترین قدرت جذب زنان را داشته‌اند. بخشهای واسطه‌گری‌های مالی (۰/۰۳)، اداره امور عمومی و دفاع، آب و برق و... در مراتب بعدی قرار دارند. سهم سایر بخشها ناچیز است.

با توجه به سهم ناچیز بخش تعاونی در کل کشور، ضرایب اشتغال مربوط به این بخش کوچک است، لذا در بخش آموزش و بهداشت بالاترین ضرایب را دارا می‌باشد (ستون ۵ جدول ۳).

ضریب اشتغال بخشی زنان بر حسب درجه مهارت

بیشترین ضریب جذب زنان در سِمَت قانونگذار و مدیر به ترتیب مربوط به بخش آموزش (۰/۱۴۲)، بهداشت و مددکاری (۰/۲۵۳۴)، اداره امور عمومی و دفاع، واسطه‌گری‌های مالی، صنعت و خدمات عمومی می‌باشد. سهم بقیه بخشها ناچیز است (ستون ۱ جدول ۶). بالاترین ضریب اشتغال زنان متخصص به ترتیب مربوط به دو بخش آموزش (۰/۱۶۱) و بهداشت و مددکاری (۰/۰۷۳) می‌باشد. بعد از این دو بخش به ترتیب

اداره امور عمومی، واسطه‌گری‌های مالی و صنعت قرار دارند نقش سایر بخشها در جذب زنان متخصص ناچیز است (ستون ۲ جدول).

بیشترین ضریب اشتغال مربوط به زنان تکنسین به دو بخش آموزش (۰/۱۴۴) و بهداشت (۰/۰۷۶) تعلق دارد، لذا رشد دو بخش آموزش و بهداشت بیشترین خلق شغل را برای زنان متخصص و تکنسین (که عمدتاً دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر هستند (ستون ۲ جدول ۴).

کارمندان زن امور دفتری نیز با بیشترین ضریب در دو بخش آموزش (۰/۱۰۸) و بهداشت (۰/۰۶) به کار اشتغال دارند. بعد از این دو بخش، اداره امور عمومی و دفاع، واسطه‌گری‌های مالی، صنعت و ساختمان بیشترین قدرت جذب زنان این گروه را داشته‌اند (ستون ۴ جدول ۴).

کارکنان خدماتی و فروشندگان بالاترین ضریب اشتغال را در بخشهای بهداشت و مددکاری (۰/۰۷۲) و آموزش (۰/۰۵۹) دارا می‌باشند. سپس بخشهای خدمات عمومی، اجتماعی و خانگی، اداره امور عمومی و دفاع و واسطه‌گری‌های مالی به ترتیب با بیشترین ضریب اشتغال، بیشترین قدرت را در خلق شغل برای زنان این گروه دارا هستند (ستون ۵).

در گروه کارکنان ماهر کشاورزی و صنعتی نیز دو بخش کشاورزی و صنعت بالاترین ضریب اشتغال را برای زنان داشته‌اند (ستونهای ۶ و ۷ جدول ۴).

بخشهای آموزش و بهداشت و مددکاری به ترتیب مهمترین اثر را در خلق شغل برای زنان متصدی امور دفتری و اداری داشته‌اند، لذا رشد بخشهای صنعت، واسطه‌گری‌های مالی، اداره امور عمومی و دفاع و کشاورزی نیز در جذب زنان به عنوان کارمندان امور دفتری و اداری موفق بوده است (ستون ۸ جدول ۴).

بخشهای آموزش و بهداشت به ترتیب مهمترین مراکز جذب کارگران ساده زن بوده‌اند. علاوه بر این، بخشهای کشاورزی، صنعت و اداره امور عمومی بخشهای قابل توجهی در جذب کارگران ساده بوده‌اند (ستون ۹ جدول ۴).

ضریب اشتغال بخشی زنان بر حسب درجه سواد

نکته قابل توجه دیگر این است که اثر افزایش تولید (رشد بخشی) را در جذب زنان با درجات مختلف سواد و یا به عبارت دیگر ضریب اشتغال زنان را بر حسب درجه سواد

تعیین کنیم. از بررسی فوق، نتایج زیر به دست می آید.

بی سواد و دارای تحصیلات ابتدایی

بخشهای بهداشت (۰/۰۳۵۷) و صنعت (۰/۰۱۰۳) بالاترین ضریب اشتغال را برای زنان دارای تحصیلات ابتدایی داشته است (ستون ۳ جدول ۵). بخشهای کشاورزی و صنعت دارای بالاترین ضریب اشتغال برای زنان بی سواد بوده است (به ترتیب ۰/۰۰۶۵ و ۰/۰۰۶). بعد از این دو بخش، بخشهای بهداشت و آموزش با ضرایب اشتغال ۰/۰۰۲۹ و ۰/۰۰۱۷ بالاترین ضریب اشتغال را داشته است (ستون ۱ جدول ۵).

بیشترین ضریب اشتغال زنان دارای تحصیلات ابتدایی در بخش خصوصی مربوط به بخش صنعت (۰/۰۹۴۱) می باشد. سپس بخشهای کشاورزی، بهداشت و آموزش از ضریب اشتغال بالاتری برخوردارند (جدول ۶).

در بخش دولتی، بهداشت و درمان دارای بالاترین ضریب اشتغال برای این گروه زنان بوده است. بعد از آن، آموزش، اداره امور عمومی و دفاع بالاترین قدرت جذب را در این زمینه داشته اند. در مجموع، بخش خصوصی دارای ضریب اشتغال بالاتری برای جذب این گروه زنان می باشد، لذا تداوم خصوصی سازی بر اشتغال زنان اثر مثبت دارد. (جدول ۶). در بخش خصوصی بیشترین ضریب اشتغال زنان مربوط به بخشهای بهداشت و مددکاری، آموزش، اداره امور عمومی و دفاع بالاترین ضریب را دارا می باشند. بخش خصوصی نقش مهمی در جذب این گروه زنان داشته است.

آموزش متوسطه

در بخش خصوصی، بیشترین ضریب اشتغال زنان دارای آموزش متوسطه به بخشهای آموزش، بهداشت و مددکاری، صنعت و خدمات عمومی و اجتماعی تعلق داشته و در بخش دولتی، آموزش و بهداشت، واسطه گریهای مالی و اداره امور عمومی و دفاع بیشترین قدرت خلق شغل را دارا می باشد، در مجموع، تقریباً دو بخش خصوصی و دولتی سهم یکسانی در جذب این گروه زنان داشته اند.

آموزش عالی

در مورد زنان دارای تحصیلات عالی، در بخش خصوصی دو بخش آموزش و بهداشت

بیشترین اثر را در جذب این گروه زنان داشته است. در بخش دولتی نیز نقش این دو بخش بالاترین بوده است. به علاوه، واسطه‌گری‌های مالی، اداره امور عمومی و آب و برق در دو بخش خصوصی و دولتی در جذب این گروه زنان موفق بوده است. در مجموع، بخش دولتی قدرت خلق بسیار بیشتری از بخش خصوصی در جذب این گروه زنان داشته است.

نتیجه‌گیری

به علت تقسیم کار موجود در خانواده، در یک مدل کار-فراغت، عرضه نیروی کار زنان ناشی از جایگزینی بین سه عامل کار خانگی، کار بازاری و فراغت می‌باشد، در حالی که در مورد کار مردان بین دو عامل کار بازاری و فراغت جایگزینی صورت می‌گیرد، از این رو تابع عرضه نیروی کار زنان تحت تأثیر این تفاوت‌ها قرار گرفته است. به همین جهت تابع عرضه کار زنان تحت تأثیر این تفاوت‌ها قرار گرفته است. به همین جهت تابع عرضه کار زنان بی‌ثبات‌تر از عرضه کار مردان است. زنان به دنبال مشاغل انعطاف‌پذیرتری هستند که خدشه کمتری به کار خانگی وارد کند. به علت عوامل فرهنگی و غیره، زنان به رشته‌های خاص تحصیلی گرایش داشته‌اند. زنان به سمت مشاغل گرایش دارند که در دوره عدم مشارکت (بارداری، زایمان و...) امکان از دست دادن آن کمتر باشد. زنان در ایران همانند بسیاری از کشورهای جهان به سمت مشاغل خاصی گرایش داشته‌اند، لذا توزیع اشتغال زنان کاملاً متفاوت از مردان است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. بخش خدمات با جذب نیمی از نیروی کار زنان، مهمترین بخش اشتغال زنان بوده است. در این بخش آموزش و بهداشت و مددکاری و اداره امور عمومی مهمترین زیر بخشهای حوزه فعالیت زنان بوده‌اند. صنعت دومین بخش مهم در جذب بیش از یک زن شاغل بوده است. توزیع زنان در صنعت بسیار ناهمگون است و منسوجات مهمترین بخش فعالیت زنان بوده است. پس از آن کشاورزی با جذب ۱۶/۶۲ درصد سومین بخش مهم در جذب زنان بوده است.

با توجه به طبیعت متفاوت توابع تولید در بخشهای مختلف اقتصاد، قدرت خلق شغل بخشهای مختلف متفاوت است. از سوی دیگر با توجه به تقسیم پذیری بازار کار بر حسب زنان و مردان، رشد بخشهای مختلف اثرات متفاوتی بر اشتغال زنان بر جای می‌گذارد. محاسبه ضریب اشتغال زنان در بخشهای مختلف اقتصاد بر حسب مهارت، سواد و

خصوصی یا دولتی بودن و رتبه‌بندی آن، می‌تواند آثار اولویت‌های رشد بخشی برنامه‌های توسعه برای اشتغال زنان گروه‌های مختلف اقتصاد را نشان می‌دهد.

این مطالعه نشان می‌دهد که بالاترین ضریب اشتغال (قدرت ایجاد خلق شغل) برای زنان بی سواد مربوط به بخش صنعت و کشاورزی است. در مورد زنان دارای تحصیلات ابتدایی بخش‌های صنعت بالاترین قدرت خلق شغل را دارا می‌باشد. در مورد زنان دارای تحصیلات راهنمایی بخش بهداشت دارای بالاترین ضریب اشتغال است و دو بخش بهداشت و آموزش برای دانش‌آموختگان متوسطه و عالی بیشترین قدرت خلق شغل را دارا می‌باشد.

با توجه به منحنی عرضه بی ثبات‌تر نیروی کار زنان، تمایل بخش خصوصی به جذب زنان کمتر بوده است، لذا در صورتی که تمهیدات مناسبی اندیشیده نشود، تداوم فرایند خصوصی سازی بر اشتغال زنان کمتر مؤثر است.

تداوم فرایند خصوصی سازی در خلق شغل برای زنان بی سواد و دارای تحصیلات کمتر از کسر متوسطه می‌تواند مؤثر باشد، ولی نقش بسیار محدودی در ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان با تحصیلات عالی دارد.

با توجه به رشد آموزش عالی از یک سو و مشارکت چشمگیر زنان در آموزش عالی و ارتقای میانگین تحصیلات در کشور ضرورت دارد که انتقالی در ساختار نیروی کار صورت گیرد. همچنین سمت‌گیری استراتژی توسعه کشور به توسعه مبتنی بر سرمایه انسانی می‌تواند در خلق شغل برای این دانش‌آموختگان مؤثر باشد. از سوی دیگر با توجه به ضرورت خصوصی سازی، از آنجا که ساختار فعلی بخش خصوصی قدرت کافی جهت جذب نیروی کار با تحصیلات عالی را ندارد، لازم است تجدید ساختاری در این بخش در جهت استفاده از نیروی متخصص صورت گیرد. همچنین جهت‌گیری آموزش کشور به سمت نیازهای بخش‌های مختلف اقتصاد می‌تواند در رسیدن به اهداف فوق مؤثر باشد.

با توجه به تابع عرضه انعطاف‌پذیر کار زنان، ایجاد تقاضای متناسب با آن ضروری است. بنابراین فراهم آوردن چارچوب قانونی لازم برای ایجاد مشاغل نیمه وقت می‌تواند نقش مهمی در استفاده کارا و موثر در جذب نیروی کار زنان و کاهش بیکاری آنان داشته باشد.

منابع

- Becker, G., 1981. **A Treatise on the Family**. Cambridge, Mass.: Harvard University Press. Beller, A. 1982. Occupational segregation by sex determinantes and changes. **Journal of Human Resource**. 17(3), Fall, 371-92.
- Bergmarn, R. R. 1971. The effect on white incomes of discrimination in employment. **Journal of Political Economy**. 41 (2) Mar-Apr, 294-313.
- Blanchard, O, 1998, **Employment Protection and Unemployment**, Mimeo, MIT.
- Blau, F. D. , **Trends in the well-being of american women, 1970-1995**, **Journal of economic Literature**. 36 (1998). 112-65.
- Brown, J.C, Pagan, J.A.(1999) Occupational Attainment and Gender Earnings Differentials in Mexico, **Industrial Labor Review** 53, no.1 (1999): 123-35
- Cowan , A. **More work for mother**, Newyork: Basic Books.
- Delphy, C. 1977. **The main Enemy: A materyalist analysis of women oppression** London; women Research Center.
- England, P. 1983. The Failure of Human Capital Theory to Explain Occupational Job Seggregation. **Journal of Human Resource** 17 (3), Ffall 358-70.
- Goldin, C, 1983b, **Life cycle labor force participation of married women: working paper**, No, 1251. Cambridge, Mass.
- 1984, The historical evolution of female earning functions and occupations. **Explorations in Economic History** 21, 1-27.
- Goldin, C. and Sokollof , K. 1982. Women, Children and Industrialization in the Early Republic, **Journal of Economic History** 42, 741-74.
- Gronau, R. 1973. **The intrafamily allocation of time: the value of the**

- housewives time AER. 63, 634-51.
- Hartman, H.I. 1981. **The family as the locus of gender, class and political struggle: the example of housework.** signs 6, 366-8.
- Heckman, J. 1976. A life cycle model of earning, learning and consumption. **Journal of political Economy** 84, supplement, S11-S44.
- _____ . 1983 A Partial Survey of Recent Research on the Labor Supply of Women. **American Economic Review** 68, supplement. 200-7
- Killingsworth, M.R. and Heckman, J.J. 1986. **Female Labor Supply: A survey .** In **Handbook Of labor Economics**, ed.o. Ashenfelter and R. Layard, New York: North-Holland , 103-204 .
- Pagan , J . a., Sanchez, Suzana, 2000 , Gender Differences in Labor Market decision: Evidence from Rural Mexico. **Economic Development and Cultural Change**, no. 48., 573-618.
- Polachek, S. 1979. **Occupational segregation among women: theory evidence and prognosis, women in the labor market**, ed. C.B. Lloyd, E.S. Andrew and C.L. Gilory, New York: Columbia University Press, 137-57.
- World Bank, **World Development Report 1995: Workers in an Integrating world**, New York: Oxford University Press, PP. 44.
- افشاری، زهرا. برنامه ریزی اقتصادی. تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران. نتایج تفصیلی سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، شماره ۱. سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.
- مرکز آمار ایران، جداول داده - ستانده سال ۱۳۷۰، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۶.

پیوستها

جدول (۱) - رتبه بندی بخشها برحسب درصد حضور زنان

درصد زنان در کل	درصد نسبت به کل	
شاغلین بخش	شاغلین زن	
۵۸/۷۸۰۰۰۰	۲۸/۳۳۰۰۰۰	۱
۴۴/۱۳۰۰۰۰	۲۶/۰۳۰۰۰۰	۱۸
۴۴/۱۳۰۰۰۰	۶/۷۳۰۰۰۰۰	۲
۲۷/۲۲۰۰۰۰	۱/۶۳۰۰۰۰۰	۳
۲۱/۸۹۰۰۰۰	۰/۱۰۰۰۰۰۰	۴
۱۹/۳۶۰۰۰۰	۰/۰۲۰۰۰۰۰	۵
۱۸/۳۷۰۰۰۰	۱/۷۵۰۰۰۰۰	۶
۱۸/۳۴۰۰۰۰	۲/۳۳۰۰۰۰۰	۷
۱۵/۷۰۰۰۰۰	۰/۵۴۰۰۰۰۰	۸
۱۵/۱۹۰۰۰۰	۰/۰۸۰۰۰۰۰	۹
۱۴/۹۰۰۰۰۰	۰/۱۰۰۰۰۰۰	۱۰
۱۴/۶۳۰۰۰۰	۰/۰۵۰۰۰۰۰	۱۱
۱۴/۴۱۰۰۰۰	۰/۱۲۰۰۰۰۰	۱۲
۱۱/۶۱۰۰۰۰	۰/۰۱۰۰۰۰۰	۱۳
۱۰/۰۶۰۰۰۰	۰/۰۶۰۰۰۰۰	۱۴
۱۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۵۰۰۰۰۰	۱۵
۹/۹۴۰۰۰۰	۰/۴۵۰۰۰۰۰	۱۶
۹/۱۰۰۰۰۰۰	۰/۰۷۰۰۰۰۰	۱۷
۸/۸۹۰۰۰۰۰	۰/۷۷۰۰۰۰۰	۱۹
۸/۸۹۰۰۰۰۰	۱۶/۶۲۰۰۰۰	۲۰
۸/۴۰۰۰۰۰۰	۰/۶۸۰۰۰۰۰	۲۱
۸/۱۲۰۰۰۰۰	۰/۶۶۰۰۰۰۰	۲۲
۷/۳۱۰۰۰۰۰	۰/۱۵۰۰۰۰۰	۲۳
۷/۲۵۰۰۰۰۰	۰/۱۲۰۰۰۰۰	۲۴
۶/۵۵۰۰۰۰۰	۰/۱۶۰۰۰۰۰	۲۵
۶/۵۸۰۰۰۰۰	۰/۳۱۰۰۰۰۰	۲۶
۶/۲۳۰۰۰۰۰	۰/۲۸۰۰۰۰۰	۲۷

ادامه جدول (۱)

درصد نسبت به کل شاغلین زن	درصد زنان در کل شاغلین بخش	
۱/۰۴۰۰۰۰۰	۵/۹۱۰۰۰۰۰	۲۸
۰/۰۱۰۰۰۰۰	۵/۳۳۰۰۰۰۰	۲۹
۰/۱۷۰۰۰۰۰	۵/۲۲۰۰۰۰۰	۳۰
۰/۲۱۰۰۰۰۰	۵/۱۰۰۰۰۰۰	۳۱
۰/۱۲۰۰۰۰۰	۴/۶۷۰۰۰۰۰	۳۲
۰/۰۴۰۰۰۰۰	۴/۵۵۰۰۰۰۰	۳۳
۰/۰۵۰۰۰۰۰	۳/۸۲۰۰۰۰۰	۳۴
۰/۴۳۰۰۰۰۰	۳/۶۳۰۰۰۰۰	۳۵
۰/۰۴۰۰۰۰۰	۳/۶۹۰۰۰۰۰	۳۶
۰/۱۹۰۰۰۰۰	۳/۵۹۰۰۰۰۰	۳۷
۵/۵۹۰۰۰۰۰	۶/۱۰۰۰۰۰۰	۳۸
۰/۰۹۰۰۰۰۰	۳/۲۵۰۰۰۰۰	۳۹
۰/۰۶۰۰۰۰۰	۳/۱۰۰۰۰۰۰	۴۰
۰/۰۸۰۰۰۰۰	۲/۹۷۰۰۰۰۰	۴۱
۰/۱۴۰۰۰۰۰	۲/۹۳۰۰۰۰۰	۴۲
۰/۰۰۰۰۰۰۰	۲/۴۴۰۰۰۰۰	۴۳
۰/۰۲۰۰۰۰۰	۲/۲۹۰۰۰۰۰	۴۴
۱/۵۶۰۰۰۰۰	۲/۲۰۰۰۰۰۰	۴۵
۰/۰۵۰۰۰۰۰	۲/۱۸۰۰۰۰۰	۴۶
۲/۱۶۰۰۰۰۰	۲/۱۰۰۰۰۰۰	۴۷
۰/۰۰۰۰۰۰۰	۲/۰۸۰۰۰۰۰	۴۸
۰/۰۷۰۰۰۰۰	۱/۹۱۰۰۰۰۰	۴۹
۰/۰۹۰۰۰۰۰	۱/۸۶۰۰۰۰۰	۵۰
۰/۰۱۰۰۰۰۰	۱/۸۰۰۰۰۰۰	۵۱
۰/۹۹۰۰۰۰۰	۱/۸۰۰۰۰۰۰	۵۲
۰/۱۱۰۰۰۰۰	۱/۷۷۰۰۰۰۰	۵۳

- ۱- تولید منسوجات
- ۲- بهداشت و...
- ۳- سایر خدمات
- ۴- بیمه و...
- ۵- تولید ماشین آلات اداری و...
- ۶- تولید پوشاک و...
- ۷- سایر فعالیتهای خدمات عمومی و...
- ۸- فعالیتهای تفریحی و...
- ۹- تولید فلزات اساسی
- ۱۰- حمل و نقل هوایی
- ۱۱- تولید رادیو و تلویزیون...
- ۱۲- تحقیق و توسعه
- ۱۳- فعالیتهای جنسی، واسطه‌گری‌های مالی
- ۱۴- تولید وسایل آبتیکی و...
- ۱۵- تولید محصولات حاصل از توتون و...
- ۱۶- سایر فعالیتهای کسب و کار
- ۱۷- کامپیوتر و...
- ۱۸- آموزش
- ۱۹- واسطه‌گری‌های مالی
- ۲۰- کشاورزی و...
- ۲۱- مستغلات و اجاره
- ۲۲- واسطه‌گریهای مالی بجز بیمه و...
- ۲۳- تولید ماشین آلات و... طبقه‌بندی نشده
- ۲۴- چاپ و...
- ۲۵- آژانسهای مسافرتی
- ۲۶- پست و مخابرات
- ۲۷- مواد شیمیایی
- ۲۸- دفاع و...
- ۲۹- مواد غذایی و...
- ۳۰- دفع زباله و
- ۳۱- تولید ماشین آلات مولد برق و...
- ۳۲- فعالیتهای سازمانهای دارای عضو

- ۳۳- استخراج نفت و...
۳۴- حمل و نقل آبی
۳۵- توزیع آب
۳۶- جنگلداری و...
۳۷- زغال، کک و...
۳۸- عمده فروشی و...
۳۹- نقلیه موتوری و...
۴۰- تولید کاغذ و...
۴۱- تأمین برق و گاز و...
۴۲- کشت و صنعت
۴۳- تولید محصولات لاستیکی و...
۴۴- وسایل نقلیه موتوری و...
۴۵- هتل و رستوران
۴۶- استخراج سنگ‌های معدن و اورانیوم
۴۷- وسایل حمل و نقل
۴۸- خرده فروشی بجز...
۴۹- املاک و مستغلات
۵۰- عمده و خرده فروشی وسایل نقلیه و...
۵۱- باز یافت
۵۲- تولید مبلمان
۵۳- کفش
۵۴- زغال سنگ و...
۵۵- حمل و نقل و...
۵۶- کالا از نی و...
۵۷- کرایه دادن....
۵۸- محصولات فلزی فابریکی بجز...
۵۹- سایر سنگ‌های معدنی
۶۰- ساختمان
۶۱- فروش و نگهداری وسایل نقلیه و...
۶۲- ماهیگیری
۶۳- حمل و نقل زمینی و...

جدول (۲) - توزیع بخشی زنان بر حسب سواد

سواد	پاسواد	ابتدایی	راهنامه‌ای	متوسطه	عالی	سایر
کشاورزی	۴۱/۰۸۰۰۰۰	۱۸/۹۷۰۰۰۰	۹/۵۴۰۰۰۰	۱/۸۵۰۰۰۰	۰/۱۷۰۰۰۰	۱۳/۵۵۰۰۰۰
ماهگیری	۶۸/۶۱۰۰۰۰	۳/۰۴۲۰۰۰	۱۹/۷۴۰۰۰۰	۱۰/۳۶۰۰۰۰	۴/۳۱۰۰۰۰	۳/۸۸۰۰۰۰
معدنی	۹۹/۹۶۰۰۰۰	۷/۱۵۰۰۰۰	۵/۳۶۰۰۰۰	۵۰/۲۷۰۰۰۰	۳۲/۱۴۰۰۰۰	۲/۰۵۰۰۰۰
صنعت	۷۶/۶۹۰۰۰۰	۳۹/۱۹۰۰۰۰	۱۱/۶۱۰۰۰۰	۵/۷۷۰۰۰۰	۱/۳۳۰۰۰۰	۱۸/۷۹۰۰۰۰
برق	۹۷/۵۹۰۰۰۰	۴/۶۴۰۰۰۰	۵/۲۱۰۰۰۰	۵۲/۰۰۰۰۰۰	۳۴/۰۱۰۰۰۰	۱/۷۳۰۰۰۰
ساختمان	۷۷/۹۷۰۰۰۰	۲۳/۱۷۰۰۰۰	۱۵/۶۹۰۰۰۰	۲۱/۰۲۰۰۰۰	۱۲/۵۸۰۰۰۰	۵/۵۱۰۰۰۰
هتل و رستوران	۷۶/۳۰۰۰۰۰	۲۰/۱۶۰۰۰۰	۱۲/۵۲۰۰۰۰	۱۹/۴۴۰۰۰۰	۱۰/۹۵۰۰۰۰	۱۲/۷۹۰۰۰۰
عمده‌فروشی	۸۰/۲۰۰۰۰۰	۱۵/۱۴۰۰۰۰	۱۵/۹۹۰۰۰۰	۲۱/۲۴۰۰۰۰	۱۰/۹۶۰۰۰۰	۶/۸۷۰۰۰۰
واسطه‌گری	۹۹/۵۵۰۰۰۰	۰/۸۶۰۰۰۰	۲/۲۲۰۰۰۰	۶۰/۳۹۰۰۰۰	۲۵/۲۰۰۰۰۰	۰/۷۶۰۰۰۰
مستغلات	۹۵/۴۷۰۰۰۰	۴/۷۵۰۰۰۰	۹/۷۳۰۰۰۰	۴۱/۹۶۰۰۰۰	۳۹/۹۷۰۰۰۰	۲/۰۶۰۰۰۰
دفاع	۹۸/۵۹۰۰۰۰	۴/۲۱۰۰۰۰	۹/۹۱۰۰۰۰	۵۴/۵۹۰۰۰۰	۳۰/۷۴۰۰۰۰	۲/۱۴۰۰۰۰
آموزش	۹۹/۴۵۰۰۰۰	۱/۳۴۰۰۰۰	۱/۳۵۰۰۰۰	۳۷/۳۶۰۰۰۰	۵۸/۰۳۰۰۰۰	۱/۳۷۰۰۰۰
بهداشت	۹۸/۱۵۰۰۰۰	۷/۹۳۰۰۰۰	۱۲/۷۶۰۰۰۰	۳۳/۸۴۰۰۰۰	۴۱/۳۶۰۰۰۰	۲/۲۷۰۰۰۰
حمل و نقل	۹۲/۳۴۰۰۰۰	۱۲/۲۰۰۰۰۰	۱۰/۹۵۰۰۰۰	۴۴/۸۰۰۰۰۰	۲۱/۰۱۰۰۰۰	۳/۲۸۰۰۰۰
سایر	۹۴/۴۶۰۰۰۰	۱۷/۱۲۰۰۰۰	۲۵/۱۷۰۰۰۰	۳۵/۶۹۰۰۰۰	۱۱/۱۶۰۰۰۰	۵/۳۲۰۰۰۰
کل	۷۹/۹۰۰۰۰۰	۱۳/۲۰۰۰۰۰	۸/۱۰۰۰۰۰	۲۱/۱۲۰۰۰۰	۲۲/۰۲۰۰۰۰	۱۵/۴۶۰۰۰۰

جدول (۳) - محاسبه ضریب اشتغال بخشی، ضریب اشتغال بخشی زنان / خصوصاً / خنوعی ۱۰۰ ×، تعارنی (ضرب در ۱۰۰)

بخش	تعارنی ۱۰۰ ×	درتی ۱۰۰ ×	خنوعی ۱۰۰ ×	ضرب‌اشتغال‌زنان	کل
۱	۰/۰۰۰۸۰۰	۰/۰۰۷۰۰۰	۱/۰۶۲۰۰۰	۰/۰۱۱۰۰۰	۰/۰۶۵۰۰۰
۲	۰/۰۰۰۷۰۰	۰/۰۲۲۳۰۰	۰/۱۶۷۴۰۰	۰/۰۰۲۲۰۰	۰/۲۸۰۰۰۰
۳	۰/۰۰۰۳۵۰	۰/۵۵۵۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۶۵۰	۰/۰۵۳۵۰۰
۴	۰/۰۰۰۲۱۰	۰/۱۰۸۰۰۰	۲/۴۰۰۰۰۰	۰/۰۲۶۳۰۰	۰/۱۱۵۰۰۰
۵	۰/۰۰۰۲۰۰	۰/۰۱۷۴۰۰	۰/۱۲۹۳۰۰	۰/۰۰۰۱۶۰	۰/۰۷۴۰۰۰
۶	۰/۰۰۰۳۰۰	۱/۱۱۲۰۰۰	۰/۱۴۹۰۰۰	۰/۰۱۲۴۰۰	۰/۲۸۲۵۰۰
۷	۰/۰۰۰۰۵۰	۰/۰۱۵۱۰۰	۰/۱۴۱۴۰۰	۰/۰۰۰۱۷۰	۰/۱۷۳۰۰۰
۸	۰/۰۰۰۱۰۰	۰/۰۷۸۷۰۰	۰/۱۴۴۷۰۰	۰/۰۰۰۲۴۰	۰/۰۸۳۱۰۰
۹	۰/۰۰۰۲۰۰	۰/۱۲۳۰۰۰	۰/۱۰۰۲۰۰	۰/۰۰۰۲۵۰	۰/۱۲۸۴۰۰
۱۰	۰/۰۰۰۲۳۰	۲/۹۴۰۰۰۰	۰/۱۷۵۰۰۰	۰/۰۰۰۳۳۰	۰/۳۷۱۲۰۰
۱۱	۰/۰۰۰۱۰۰	۰/۰۳۷۳۰۰	۰/۰۵۶۳۰۰	۰/۰۰۰۱۰۰	۰/۰۱۰۴۰۰
۱۲	۰/۰۰۱۵۰۰	۲/۷۴۶۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۲۹۴۰	۰/۴۸۱۹۰۰
۱۳	۰/۰۰۰۶۱۰	۲/۷۵۶۷۰۰	۱۲/۳۳۷۰۰	۰/۳۰۲۶۰۰	۰/۶۸۵۷۰۰
۱۴	۰/۰۰۰۴۸۰	۱۲/۲۶۸۰۰۰	۲/۷۱۰۰۰۰	۰/۱۵۵۵۰۰	۰/۴۰۴۲۰۰
۱۵	۰/۰۰۰۱۰۰	۰/۰۰۰۴۳۰	۰/۳۸۸۰۰۰	۰/۰۰۰۴۷۰	۰/۳۰۱۹۰۰

- ۱- کشاورزی
- ۲- ماهیگیری
- ۳- معدن
- ۴- صنعت
- ۵- عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
- ۶- آب و برق و گاز
- ۷- هتل و رستوران
- ۸- ساختمان
- ۹- حمل و نقل و ارتباطات
- ۱۰- واسطه‌گری‌های مالی
- ۱۱- مستغلات
- ۱۲- اداره امور عمومی
- ۱۳- آموزش
- ۱۴- بهداشت و مددکاری
- ۱۵- سایر خدمات عمومی، اجتماعی و خانگی

جدول (۴) - ضریب اشتغال بخشی زنان بر حسب مهارت (ضرب در ۱۰۰۰۰)

بخش	قانونگذاران	متخصصان	تکلیفین‌ها	کارمندان دفتری	فروشیگران	کارکنان سایر	صنایگران	متصدیان	کارگران ساده
۱	۱/۶۲۸۰۰۰۰	۶/۹۹۴۰۰۰۰	۱/۸۳۳۱۰۰۰	۶/۱۱۰۵۰۰۰	۲/۶۲۴۴۱۰۰۰	۹/۳۳۳۴۰۰۰	۲/۱۳۸۶۸۰۰	۱/۱۸۸۸۰۰۰	۱۴/۸۹۰۰۰۰
۲	۰/۶۹۷۰۰۰۰	۲/۵۸۸۲۰۰۰	۰/۴۰۰۰۰۰۰	۲/۱۱۷۳۰۰۰	۰/۶۰۰۰۰۰۰	۰/۱۵۰۰۰۰۰	۰/۳۶۲۰۰۰۰	۰/۱۰۰۰۰۰۰	۰/۲۵۰۰۰۰۰
۳	۲/۰۰۰۰۰۰۰	۸/۷۳۳۱۰۰۰	۲/۷۰۰۰۰۰۰	۷/۸۱۹۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰۰	۲/۰۰۰۰۰۰۰	۰/۸۳۴۰۰۰۰	۰/۳۴۴۰۰۰۰	۰/۵۵۲۰۰۰۰
۴	۲/۶۹۵۰۰۰۰	۱۳/۶۰۰۰۰۰	۴/۰۶۵۰۰۰۰	۱۵/۶۰۸۰۰۰	۲/۱۳۴۰۰۰۰	۱/۱۳۷۰۰۰۰	۰/۸۱۶۰۰۰۰	۱/۱۵۳۰۰۰۰	۱/۳۹۰۰۰۰۰
۵	۸/۵۱۰۰۰۰۰	۲۹/۳۳۰۰۰۰	۱۳/۳۴۰۰۰۰	۲۸/۳۳۵۰۰	۶/۶۸۱۰۰۰۰	۴۷/۰۶۰۰۰۰	۸۰/۳۹۴۰۰۰	۶/۰۲۳۰۰۰۰	۱۴/۵۳۹۰۰۰
۶	۰/۴۱۳۰۰۰۰	۲/۱۴۸۰۰۰۰	۰/۳۹۳۰۰۰۰	۲/۳۹۶۰۰۰۰	۰/۳۱۷۰۰۰۰	۰/۷۱۵۰۰۰۰	۰/۱۵۳۰۰۰۰	۰/۳۹۳۰۰۰۰	۰/۲۷۵۰۰۰۰
۷	۰/۵۸۱۰۰۰۰	۲/۳۴۷۰۰۰۰	۲/۳۶۴۰۰۰۰	۴/۴۳۰۰۰۰۰	۰/۳۱۷۰۰۰۰	۰/۳۱۲۰۰۰۰	۰/۳۵۳۰۰۰۰	۰/۶۸۱۰۰۰۰	۷/۴۰۴۱۰۰۰
۸	۰/۱۷۵۳۰۰۰	۱/۱۷۷۰۰۰۰	۴/۸۶۷۰۰۰۰	۱/۷/۵۰۰۰۰	۰/۳۰۱۰۰۰۰	۰/۳۴۵۰۰۰۰	۰/۱۱۰۰۰۰۰	۰/۱۰۳۰۰۰۰	۰/۱۲۱۰۰۰۰
۹	۰/۹۱۷۰۰۰۰	۳/۱۶۵۰۰۰۰	۰/۸۵۶۰۰۰۰	۲/۱۹۶۰۰۰۰	۱/۳۲۹۰۰۰۰	۲/۰۸۰۰۰۰۰	۰/۳۸۲۰۰۰۰	۰/۱۴۴۰۰۰۰	۰/۵۳۲۰۰۰۰
۱۰	۱۳/۸۷۵۰۰۰	۴۴/۶۴۰۰۰۰	۴۲/۴۰۰۰۰۰	۳۷/۱۴۰۰۰۰	۸/۱۴۰۰۰۰۰	۱/۷۵۵۰۰۰۰	۷/۱۰۰۰۰۰۰	۳/۹۳۰۰۰۰۰	۳/۸۶۳۰۰۰۰
۱۱	۰/۶۳۳۰۰۰۰	۱/۶۲۳۰۰۰۰	۱/۴۲۰۰۰۰۰	۲/۳۶۶۰۰۰۰	۰/۷۵۵۰۰۰۰	۰/۱۶۵۰۰۰۰	۰/۳۵۴۲۰۰۰	۰/۱۴۶۰۰۰۰	۰/۷۷۴۰۰۰۰
۱۲	۱۷/۷۳۰۰۰۰	۸۷/۱۲۰۰۰۰	۴۲/۷۸۰۰۰۰	۵۰/۱۲۰۰۰۰	۱۳/۰۵۰۰۰۰	۲/۳۰۷۰۰۰۰	۲۰/۴۸۰۰۰۰۰	۱/۹۳۴۰۰۰۰	۶/۷۲۱۰۰۰۰
۱۳	۱۴۱/۹۶۲۰۰	۱۶۰۹/۱۶۰۰	۱۳۳/۸۷۶۰۰	۱۰۰۷/۶۸۵۰۰	۵۹۰/۲۶۰۰۰	۶/۶۱۵۰۰۰۰	۷۳۰/۳۰۰۰۰۰	۳۸۰/۸۰۰۰۰۰	۵۰۹/۳۷۰۰۰۰
۱۴	۲۵۳/۵۶۰۰۰	۷۲۹/۵۴۰۰۰	۷۵۵/۲۷۰۰۰	۶۰۲/۸۱۷۰۰۰	۷۱۵/۸۶۰۰۰	۱۸/۵۱۰۰۰۰	۳۵۶۰/۰۰۰۰	۲۵/۷۳۰۰۰۰	۲۵۵/۶۴۰۰۰۰
۱۵	۵/۱۲۸۰۰۰۰	۲/۶۲۶۰۰۰۰	۶/۷۴۷۰۰۰۰	۱۳/۳۶۶۰۰۰	۱۴/۳۷۴۰۰۰	۱/۶۱۵۰۰۰۰	۲/۶۳۷۰۰۰۰	۰/۳۸۵۰۰۰۰	۱/۹۹۰۰۰۰۰

جدول (۵) - ضریب اشتغال بخشی بر حسب سواد (ضرب در ۱۰۰)

سایر	عالی	متوسطه	راهنمایی	ابتدایی	باسواد	بی سواد	
۰/۱۴۹۰۰۰۰	۰/۰۲۰۰۰۰	۰/۰۲۰۰۰۰	۰/۰۷۲۰۰۰	۰/۰۹۰۰۰۰	۰/۴۵۲۰۰۰	۰/۶۴۸۰۰۰	کشاورزی
۰/۰۰۰۰۰	۰/۰۹۰۰۰۰	۰/۰۲۲۰۰۰	۰/۰۴۳۰۰۰	۰/۰۶۷۰۰۰	۰/۱۵۱۰۰۰	۰/۰۷۰۰۰۰	ماهگیری
۰/۰۱۳۰۰۰	۰/۰۲۹۰۰۰۰	۰/۳۲۷۰۰۰	۰/۰۲۵۰۰۰	۰/۰۴۷۰۰۰	۰/۶۳۰۰۰۰	۰/۰۲۰۰۰۰	معدن
۰/۴۹۴۰۰۰۰	۰/۰۳۵۰۰۰۰	۰/۱۵۲۰۰۰	۰/۳۰۵۰۰۰	۱/۰۳۱۰۰۰	۲/۰۱۷۰۰۰	۰/۶۱۳۰۰۰	صنعت
۰/۰۲۳۰۰۰	۰/۴۵۶۰۰۰	۰/۶۹۷۰۰۰	۰/۰۷۰۰۰۰	۰/۰۶۲۰۰۰	۱/۳۰۸۰۰۰	۰/۰۳۲۰۰۰	آب و برق و... ساختمان
۰/۰۰۹۰۰۰	۰/۰۲۱۰۰۰۰	۰/۰۳۶۰۰۰	۰/۰۲۷۰۰۰	۰/۰۳۹۴۰۰	۰/۱۳۲۵۰۰	۰/۰۳۷۰۰۰	هتل و رستوران
۰/۰۳۱۰۰۰	۰/۰۲۶۰۰۰	۰/۰۴۷۰۰۰	۰/۰۳۰۰۰۰	۰/۰۴۹۰۰۰	۰/۱۸۳۰۰۰	۰/۰۵۷۰۰۰	حمل و نقل و... عمده فروشی و... واسطه گری مالی
۰/۰۰۸۰۰۰	۰/۰۵۳۰۰۰	۰/۱۱۲۰۰۰	۰/۰۲۷۰۰۰	۰/۰۳۱۰۰۰	۰/۲۳۱۰۰۰	۰/۰۲۵۰۰۰	مستغلات
۰/۰۱۱۰۰۰	۰/۰۱۸۰۰۰	۰/۰۵۰۰۰	۰/۰۲۶۰۰۰	۰/۰۲۴۰۰۰	۰/۱۲۸۰۰۰	۰/۰۲۲۰۰۰	دفاع
۰/۰۲۵۰۰۰	۰/۱۶۶۰۰۰	۱/۹۹۳۰۰۰	۰/۰۷۳۰۰۰	۰/۰۲۸۰۰	۲/۲۸۵۰۰۰	۰/۰۱۵۰۰	آموزش
۰/۰۰۲۰۰۰	۰/۰۴۰۰۰۰	۰/۰۴۲۰۰۰	۰/۰۰۷۰۰۰	۰/۰۰۵۰۰	۰/۰۹۶۰۰۰	۰/۰۰۵۰۰	بهداشت
۰/۰۶۳۰۰۰	۰/۰۹۴۰۰۰	۱/۶۰۵۰۰۰	۰/۰۳۰۰۰	۰/۱۲۴۰۰۰	۲/۸۹۹۰۰۰	۰/۴۲۰۰۰	سایر
۰/۳۸۴۰۰۰	۱/۷۵۹۰۰۰	۱۱/۳۰۵۰۰	۰/۴۳۹۰۰۰	۰/۴۰۶۰۰۰	۳۰/۰۹۴۰۰	۰/۱۶۶۰۰۰	
۱/۰۲۵۰۰۰	۱۸/۶۸۳۰۰۰	۱۵/۲۸۶۰۰	۵/۲۶۴۰۰۰	۲/۵۷۸۰۰۰	۴۴/۳۳۷۰۰۰	۰/۹۹۳۰۰	
۰/۰۲۵۰۰۰	۰/۰۵۳۰۰۰	۰/۱۶۸۰۰۰	۰/۱۱۸۰۰۰	۱/۰/۰۸۱۰۰۰	۰/۴۴۴۰۰۰	۰/۰۲۶۰۰۰	

جدول (۶) - ضریب اشتغال زنان بر حسب سواد در بخشهای خصوصی دولتی و تعاونی (ضرب در ۱۰۰)

بخش	بی سواد			ابتدایی			راهنمایی		
	دولتی	تعاونی	خصوصی	دولتی	تعاونی	خصوصی	دولتی	تعاونی	خصوصی
۱	۶۸/۴۵۰	۳/۱۲۰	۴۶/۰۰۰	۲۲/۰۴۳	۱/۲۳۰	۱۱۴/۸۰۰	۳۷/۶۰۰	۲۳/۰۵۰	۱/۴۶۰
۲	۵/۳۵۵	۷/۳۱۰	۲۲/۰۰۰	۵/۰۹۲	۷/۰۹۰	۲/۲۳۰	۲/۳۰۵	۲/۳۰۵	۳/۰۰۰
۳	۰/۱۸۲	۱/۶۸۷	۰/۱۱۰	۰/۴۲۹	۰/۴۲۹	۲/۹۶۸	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰	۰/۲۵۰
۴	۵۵/۹۴۴	۲/۵۱۸	۴۹/۰۰۰	۹۴/۰۵۶	۴/۳۳۰	۸/۲۳۰	۷/۸۶۴	۰/۸۲۳	۱/۳۵۴
۵	۰/۳۵۹	۲/۶۸۰	۰/۰۷۰	۰/۶۹۱	۵/۱۵۹	۵/۱۵۹	۰/۷۷۶	۰/۷۷۶	۵/۹۴۴
۶	۲/۱۱۱	۰/۳۳۲	۰/۱۱۰	۳/۲۷۶	۰/۳۵۰	۲/۲۱۹	۲/۲۱۹	۲/۲۱۹	۰/۳۳۲
۷	۲/۵۶۰	۰/۳۴۵	۰/۰۵۹	۱/۹۵۸	۰/۴۶۳	۱/۶۲۱	۲/۰۶۸	۲/۰۶۸	۰/۳۳۲
۸	۳/۴۲۹	۱/۸۶۵	۰/۰۳۳	۲/۹۸۱	۱/۶۲۱	۱/۶۲۱	۱/۸۱۲	۱/۸۱۲	۰/۹۸۵
۹	۱/۰۱۱	۱/۳۰۸	۰/۰۱۰	۱/۲۴۴	۱/۶۱۰	۱/۶۱۰	۱/۱۱۷	۱/۱۱۷	۱/۴۴۵
۱۰	۰/۰۷۹	۱/۳۳۳	۰/۰۱۰	۰/۱۵۱	۲/۵۲۸	۲/۵۲۸	۰/۳۸۹	۰/۳۸۹	۰/۹۸۵
۱۱	۰/۲۵۵	۰/۱۶۹	۰/۰۵۰	۰/۲۶۷	۰/۱۷۷	۰/۱۷۷	۰/۳۷۹	۰/۳۷۹	۰/۲۵۱
۱۲	۰/۰۰۰	۳/۸۷۳	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۱۱/۵۶۱	۱۱/۵۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱/۸۹۷
۱۳	۶/۸۴۰	۱۵/۱۶۲	۰/۰۳۴	۱۶/۶۶۶	۳۹/۹۴۰	۳۹/۹۴۰	۱/۰۳۴	۱/۰۳۴	۳۹/۹۷۳
۱۴	۵/۰۱۴	۲۲/۰۰۰	۰/۰۸۹	۲۱/۴۶۳	۹۷/۱۶۳	۹۷/۱۶۳	۳۴/۵۸۰	۳۴/۵۸۰	۱۵۶/۵۴۰
۱۵	۱/۸۷۰	۰/۵۷۸	۰/۰۰۶	۵/۷۸۷	۱/۷۸۶	۱/۷۸۶	۸/۵۰۸	۸/۵۰۸	۲/۶۲۵

ردیف	نام متغیر	متوسطه		عالی		سایر	
		تفاوتی	خصوصی	تفاوتی	دولتی	تفاوتی	خصوصی
۱	۰/۰۵۰۰۰۰	۰/۰۱۳۰۰۰	۰/۲۰۰۰۰۰	۰/۰۱۰۰۰۰	۰/۰۰۱۰۰۰	۰/۰۱۰۰۰۰	۱۵/۴۷۵۰۰۰
۲	۰/۱۳۸۰۰۰	۰/۲۴۱۰۰۰	۰/۷۰۰۰۰۰	۰/۰۷۳۰۰۰	۰/۰۳۰۰۰۰	۰/۰۳۰۰۰۰	۰/۶۵۰۰۰۰
۳	۰/۰۱۹۰۰۰	۰/۲۷۹۰۰۰	۰/۱۷۶۰۰۰	۰/۱۹۲۸۰۰۰	۰/۱۱۳۰۰۰	۰/۱۱۳۰۰۰	۰/۱۲۳۰۰۰
۴	۰/۲۴۴۰۰۰	۰/۶۳۳۰۰۰	۰/۱۲۱۰۰۰	۰/۱۲۱۰۰۰	۰/۱۴۴۰۰۰	۰/۰۲۸۰۰۰	۴۵۰۹۶۰۰۰
۵	۰/۰۱۶۰۰۰	۰/۷۷۴۸۰۰۰	۰/۱۵۶۰۰۰	۰/۱۵۶۰۰۰	۰/۲۷/۸۱۹۰۰۰	۰/۱۰۲۰۰۰	۱/۳۵۵۰۰۰۰
۶	۰/۰۰۸۰۰۰	۰/۳۱۷۰۰۰	۰/۰۱۱۰۰۰	۰/۰۱۱۰۰۰	۰/۱۹۰۰۰۰	۰/۰۰۶۰۰۰	۰/۷۷۹۰۰۰۰
۷	۰/۰۴۸۰۰۰	۰/۵۴۴۰۰۰	۰/۰۹۴۰۰۰	۰/۰۹۴۰۰۰	۰/۱۹۱۰۰۰	۰/۰۳۳۰۰۰	۰/۸۸۸۰۰۰۰
۸	۰/۰۱۳۰۰۰	۰/۲/۸۱۳۰۰۰	۰/۰۱۹۰۰۰	۰/۰۱۹۰۰۰	۰/۸۶۳۰۰۰	۰/۰۱۱۰۰۰	۱/۸۵۱۰۰۰۰
۹	۰/۰۱۱۰۰۰	۰/۴/۵۷۰۰۰۰	۰/۰۴۵۰۰۰	۰/۰۴۵۰۰۰	۰/۲/۷۷۳۰۰۰	۰/۰۲۱۰۰۰	۰/۳۳۰۰۰۰
۱۰	۰/۰۰۵۱۰۰۰	۰/۱۰/۵۶۸۰۰۰	۰/۱/۳۸۹۰۰۰	۰/۱/۳۸۹۰۰۰	۰/۹/۱۸۱۰۰۰	۰/۰۳/۸۴۱۰۰	۰/۱۳۳۰۰۰
۱۱	۰/۰۰۷۰۰۰	۰/۲/۳۶۲۰۰۰	۰/۰۴۲۰۰۰	۰/۰۴۲۰۰۰	۰/۱/۴۹۱۰۰۰	۰/۰۴۰۰۰۰	۰/۱۱۶۰۰۰
۱۲	۰/۰۱۰۴۰۰۰	۰/۱۴۹/۹۰۰۴	۰/۸۱۹۰۰۰	۰/۸۱۹۰۰۰	۰/۴۶۱۰۰۰	۰/۴۶۱۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۱۳	۰/۰۰۸۹۰۰۰	۰/۴۶۶/۶۵۰۰۰	۰/۰۲۹/۹۰۰	۰/۰۲۹/۹۰۰	۰/۷۲۱/۰۷۲۰	۰/۱۵۹/۷۱۰	۱۵/۷۹۵۰۰۰
۱۴	۰/۰/۱۳۰۰۰	۰/۹۱/۷۱۰۰۰۰	۰/۱/۶۲۴۰۰۰	۰/۱/۶۲۴۰۰۰	۰/۱۱۲/۰۸۹۰۰	۰/۷۱/۱/۹۱۲۰	۶/۱۱۵۲۰۰۰
۱۵	۰/۰/۲۵۰۰۰	۰/۲/۷۲۲۰۰۰	۰/۰/۳۶۰۰۰	۰/۰/۳۶۰۰۰	۰/۲/۷۸۰۰۰۰	۰/۱/۱/۶۷۰۰۰	۱/۷۹۰۰۰۰۰

ادامه جدول (۶)